

نقش توسعه پایدار در فرهنگ و جامعه

لیلا حافظی پور

پژوهشگر، هرمزگان، بندرعباس

چکیده

یکی از موضوعات اساسی و کلیدی که در چند دهه اخیر در حوزه علوم اجتماعی مطرح و از گستردگی و اهمیت قابل ملاحظه ای برخوردار شده بحث توسعه است به لحاظ همین گستردگی و اهمیت پر دامنه این موضوع مفهوم توسعه توجه اندیشمندان رشته های مختلف علوم اجتماعی و فرهنگی را به خود جلب نموده و با گذشت زمان و گسترش و تخصصی شدن حوزه های مختلف علوم، یک دانش میان رشته ای شده است.

مبحث توسعه با رشد و توسعه اقتصادی در دو قرن گذشته، مخاطرات زیست محیطی فراوانی را بر طبیعت و اخیراً بر تعلیم و تربیت و فرهنگ افراد جامعه انسانی تحمیل نموده و تردیدهای جدی در هزینه ها و موهبت های توسعه بوجود آورده که این چالشها، ناپایداری برنامه های توسعه را تداعی نموده و ضرورت تعمیق مفهوم توسعه پایدار را در بطن مطالعات برنامه های مختلف اجتماعی، فرهنگی و صنعتی متبلور نموده است. در این مقاله سعی می شود که با ارائه تعریف مختصری از مفهوم توسعه و توسعه پایدار نظریه های مختلف در ارتباط با بحث توسعه پایدار مخصوصاً در علوم اجتماعی و فرهنگی و فرصت و اهمیت این مبحث مطالبی گردآوری و در غالب یک تحقیق کیفی ارائه گردد.

واژه های کلیدی: توسعه، توسعه پایدار، علوم اجتماعی و فرهنگی.

مقدمه

یکی از موضوعات اساسی و کلیدی که در چند دهه اخیر در حوزه علوم اجتماعی و فرهنگی مطرح و از گستردگی و اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار شده بحث توسعه است، و به لحاظ همین گستردگی و اهمیت پر دامنه این موضوع مفهوم توسعه توجه صاحب نظران و اندیشمندان رشته‌های مختلف علوم اجتماعی چون، جامعه‌شناسی، سیاست، مردم‌شناسی، علوم تربیتی، روانشناسی (بخصوص روانشناسی اجتماعی) و امور فرهنگی را به خود جلب نموده و با گذشت زمان و گسترش و تخصصی شدن حوزه‌های مختلف علوم و پیچیده تر شدن کاوش‌های علمی، مبحث توسعه از تقلیل و وابستگی به یک سهم خاص کاملاً رها شده است (ازکیا، ۱۳۷۷).

همانطور که مطرح شد، مبحث توسعه دارای گستردگی زیادی در میان شاخه‌های علوم اجتماعی شده است و این گستردگی نه تنها در میان اندیشمندان علوم اجتماعی بلکه در مواردی بسیار موجب چالش‌های فکری و دغدغه‌های اساسی در حوزه فرهنگی، مطالعات علوم تجربی، محیط زیست، بهداشت محیط و متخصصان پزشکی شده است بخصوص که با گذشت رشد و توسعه اقتصادی در دو قرن گذشته که به قولی بشریت با ورود به موج دوم و سوار شدن بر اقتصاد صنعتی و صنعت دودکش، مخاطرات زیست محیطی فراوانی را بر طبیعت بکر تحمیل نمودند و با آلوده ساختن منابع طبیعی و زیستی، چون دریا و آب‌های روان، قطع درختان جنگلی، تهدید جدی لایه حیاتی اوزون، آلودگی‌های تهدید صوتی و آلودگی‌های ناشی از دود آگروز اتومبیلها، کارخانجات صنعتی و ...، ترس‌های جدی در موهبت‌های توسعه موج دومی بشریت با ابزارهای صنعتی بوجود آمد و همراه با این چالشها، مخاطرات دیگری چون افزایش بی رویه جمعیت جهان آن هم در جوامع پیرامونی و جهان سوم توأم با فقر فرهنگی در جوامع مذکور ناموزونی و ناپایداری برنامه‌های توسعه را در یکی دو قرن اخیر در ازهان متفکران گوناگون تداعی نمود و ضرورت تعمیق مفهوم توسعه پایدار را در بطن مطالعات برنامه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی متبلور نموده است. در این تحقیق سعی می‌شود که با ارائه تعریف مختصری از مفهوم توسعه و توسعه پایدار نظریه‌های مختلف در ارتباط با بحث توسعه پایدار مخصوصاً در علوم اجتماعی و فرهنگی و فرصت و اهمیت این مبحث مطالبی گردآوری و در غالب یک تحقیق کیفی ارائه گردد.

تعریف مفاهیم توسعه و توسعه پایدار (چارچوب تئوریک)

توسعه:

در حالت کلی اصطلاح توسعه به صورت فراگیر پس از جنگ جهانی دوم مطرح شده است. واژه توسعه در لغت به معنای خروج از لفاف است. در قالب نظریه نوسازی، لفاف همان جامعه سنتی و فرهنگ و ارزشهای مربوط به آن است که جوامع برای متجدد شدن باید از این مرحله سنتی خارج شوند.

مایکل تودارو معتقد است که توسعه را باید جریانی چند بعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است (رائو، ۲۰۰۰).

دادلی سیرز رئیس موسسه اطلاعات توسعه ای دانشگاه ساسکس توسعه را جریانی چند بعدی می‌داند که تجدیدی زمان و سمت گیری متفاوت کل نظام اقتصادی - اجتماعی را به همراه دارد به عقیده وی توسعه علاوه بر بهبود میزان تولید و درآمد شامل دگرگونی اساسی در ساختهای نهادی، اجتماعی اداری و همچنین ایستارها و وجه نظرهای مردم است (گاتو، ۱۹۹۵).

گونار میردال با تاکید به ابعاد رفاهی و فقر زدایی معتقد است: توسعه یعنی فرایند دور شدن از توسعه نیافتگی، یعنی رهایی از چنگال فقر (کایرک، ۲۰۰۱).

دکتر محمد جواد زاهدی در کتاب توسعه و نابرابری معتقد است: توسعه در بعد جامعه شناسی بر حسب دلالت‌های آن در آثار جامعه شناختی چند دهه اخیر فرایندی است که به کاهش فقر، افزایش رفاه، ایجاد اشتغال و افزایش یکپارچگی اجتماعی دلالت دارد. این فرایند همچنین با عدالت اجتماعی، برابری همه مردم در مقابل قانون، حقوق اقلیها، گسترش آموزش و پرورش نیز ارتباطی بی واسطه دارد.

دکتر محمد حریری در کتاب مدیریت توسعه، توسعه را مترادف با گذر از مرحله ای به مرحله دیگر در یک جامعه می داند که اعضای آن، هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی گنجایشهای فراگیری خود را افزایش دهند، وی در نهایت می گوید: توسعه یعنی همان تعالی انسان، توسعه یعنی فهم بیشتر و ژرف تر، توسعه یعنی فراگیری تا جایی که موجب اعتلاء گنجایی خود فراگیر شود (ضرابی و اذانی، ۱۳۸۰).

توسعه پایدار

از توسعه پایدار برداشت های متفاوتی می شود اما صاحب نظران عموماً در این زمینه متفق القولند که این نوع توسعه فرایندی از توسعه را در برمی گیرد که قبل از هر چیز از نظر اکولوژیکی مطلوب باشد. در مفهوم لغوی، توسعه پایدار نوعی از توسعه است که می تواند به طور نامحدود ادامه داشته باشد و مفهوم پایداری اغلب در چارچوب منابع تجدید شونده نظیر جنگلها، منابع دریایی، مراتع، آب و خاک و نیز نیروی انسانی مورد توجه قرار می گیرد.

بر طبق تعریف بین المللی توسعه پایدار توسعه ای است که نیازهای نسل حاضر را برآورده سازد بدون اینکه توانایی های نسل آینده را در رفع نیازهایشان به مخاطره اندازد.

تئوری و پیشینه تحقیق

از لحاظ تاریخی پژوهشگران قرن نوزدهم توسعه را در بیان تاریخ انسان به کارمی بردند اسپنسر و مارکس معتقد بودند که جوامع انسانی از مراحلی (پائین تر) به مراحل (بالا تر) در حرکت هستند این حرکت با چند قانون کلی و عمومی در مسیری مستقیم است. هر جامعه ای از این مراحل یا گذشته و یا در حال گذشتن است و یا اینکه این مراحل یکنواخت را طی خواهد کرد به بیان دیگر آنها در جستجوی کشف قوانین کلی برای چنین توسعه ای بودند. به نظر این اندیشمندان گذر از یک مرحله به مرحله دیگر موجب پیشرفت انسان در جهات مختلف خواهد شد. چه در زمینه مادی و چه در زمینه فرهنگی و عقلانی کردن فرهنگ.

اصطلاح توسعه پایدار یا پایا در اوایل سالهای دهه ۱۹۷۰ درباره محیط و توسعه بکار رفت. در حقیقت ایجاد تعادل میان توسعه و محیط زیست در سال ۱۹۸۰ برای نخستین بار نام توسعه پایدار در گزارش سازمان جهانی حفاظت از منابع طبیعی آمد این سازمان در گزارش خود با نام استراتژی حفظ منابع طبیعی این واژه را برای توصیف وضعیتی به کار برد که توسعه نه تنها برای طبیعت مضر نیست بلکه به یاری آن هم می آید. پایداری می تواند چند جنبه داشته باشد: پایداری در منابع طبیعی، پایداری در سیاسی، پایداری اجتماعی، پایداری اقتصادی و پایداری در علوم اجتماعی و فرهنگی.

توسعه پایدار تنها بر جنب زیست محیطی اتفافی تمرکز ندارد بلکه به جنبه اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی هم توجه می کند و حوزه های علوم اجتماعی و فرهنگی را نیز در بر می گیرد. توسعه پایدار محل تلاقی جامعه، فرهنگ، اقتصاد و محیط زیست است. چهار حوزه مهمی که توسعه پایدار روی آن تاکید دارد، مسایل محیطی است از آن زمان سازمانهای بین المللی که خواهان دستیابی به محیطی مناسب و مساعد برای توسعه سودمند بودند نام خاص و ویژگی آنها در راهبرد توسعه پایدار نمود یافت. توسعه پایدار که از دهه ۱۹۹۰ بر آن تاکید شد جنبه ای از توسعه انسانی و در ارتباط با محیط زیست و تربیت نسلهای

آینده است. هدف توسعه انسانی پرورش قابلیت های انسانی محسوب می شود. توسعه پایدار به عنوان یک فرایند که لازمه بهبود و پیشرفت است، اساس بهبود وضعیت و رفع کاستی های اجتماعی، فرهنگی و تربیتی جوامع پیشرفته است و باید موتور محرکه پیشرفت متعادل، متناسب و هماهنگ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تمامی جوامع و بویژه کشورهای در حال توسعه باشد.

توسعه پایدار سعی دارد به پنج نیاز اساسی زیر پاسخ گوید: تلفیق حفاظت و توسعه، تامین نیازهای اولیه زیستی انسان، دستیابی به عدالت اجتماعی، خودمختاری و تنوع فرهنگی و حفظ یگانگی اکولوژیکی.

مفهوم توسعه پایدار مفهومی است که در سالهای اخیر در ادبیات جامعه شناسی و علوم اجتماعی و فرهنگی مطرح شده است. طبق سمپوزیومی که در سال ۱۹۹۱ در لاهه برگزار شد، در مورد مفهوم توسعه پایدار آمده: ((اگر منظور از توسعه گسترش امکانات زندگی انسانهاست، این امر نه تنها در مورد نسل حاضر بلکه برای نسلهای آینده نیز مد نظر باشد)).

مفهوم توسعه پایدار ناظر بر این واقعیت انکار ناپذیر است که درسهای مربوط به اکولوژی می تواند و باید در روندهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تربیتی نیز به کار گرفته شود.

این درسها شامل ایده های استراتژی حفظ محیط جهانی و ایجاد محیطی منطقی است که در آن ادعای توسعه به منظور پیشبرد کیفیت همه جنبه های زندگی مورد چالش و آزمایش قرار می گیرد.

به کار بردن واژه توسعه پایدار بعد از کنفرانس ریودوژانیرو در سال ۱۹۹۲ در محافل علمی فراگیر شد. آرایه راه حل هایی که بتواند از بروز مسائلی همچون نابودی منابع طبیعی تخریب سامانه های زیستی آلودگی جهانی تغییر اقلیم افزایش بی رویه جمعیت بی عدالتی اجتماعی و پایین آمدن کیفیت زندگی و قرهنگ انسانهای حال و آینده جلوگیری کند. توسعه پایدار فرایند تغییری است در استفاده از منابع هدایت سرمایه گزاری ها سمت گیری توسعه فناوری و تغییری نهادی است که با نیازهای اجتماعی و فرهنگی حال و آینده سازگار باشد. بر این اساس با توجه به مضمون کلی ادبیات بین المللی مربوط به این رویکرد نوین توسعه ای میتوان گفت که مفهوم توسعه پایدار ناظر بر فرایند هدایت شده و اصلاح شده تعریفی از توسعه اجتماعی سیاسی و فرهنگی تربیتی در کنار توسعه اقتصادی صنعتی شدن و توسعه کشاورزی به ویژه نیل و یک کشاورزی پایدار است و در آن همزمان و به صورتی یکپارچه توسعه انسانی حفظ محیط زیست کاهش فقر محو گرسنگی نابرابری در قدرت از طریق قوی سازی مردم و گسترش دموکراسی و مشارکت نیز مورد توجه قرار میگیرد (رحمانی، ۱۳۷۲).

اهمیت و ضرورت توسعه پایدار در علوم اجتماعی و فرهنگی

نگرانی ها بشر در زمینه محیط زیست در ابعاد ملی منطقه ای و جهانی هنگامی مشهود گردید که با توسعه صنعتی و استفاده از منابع محدود تجدید پذیر و غیر قابل تجدید کره مسکون رو به فزونی نهاد. توسعه از یک سو با الودگی های محیط زیست و از سوی دیگر با سنت و تکنولوژی ارتباط ارگانیک دارد امروزه حتی از دیدگاه دوستداران و متخصصین محیط زیست دست نخورده و بکر باقی مانده زیرا که رشد شدید جمعیت نیازها و ملزوماتی را خواستار است که از طریق این گونه فعالیتها پاسخگو میباشد. مدیریت محیط زیست نیز به دنبال چنین امر محالی نیست. لیکن تقلیل الودگی ها و کاهش اثرات تخریبی آن در حدی معقول همراه با استفاده توسعه پایدار تکنولوژی های متعادل و منطبق با وضعیت فیزیکی اجتماعی و فرهنگی جامعه برای حفظ و تضمین سلامت رشد و بقای حال و آینده انسانها و موجودات زنده مورد نظر بوده است. این امر مهم از طرق مختلف مدیریت صحیح آموزش و تحقیقات اجتماعی و فرهنگی ارزیابی زیست محیطی پروژه های صنعتی و فرهنگی و... ممکن میگردد. چنانچه همزمان با صنعتی شدن یک جامعه به امر مهمی چون فرهنگ و تربیت توجه نشود نه تنها توسعه اقتصادی حاصل نمیشود بلکه گرفتاری های زیادی به بار می آید که گاهی منابع حاصله از یک فعالیت صنعتی برای جامعه را در دراز

مدت دچار خسارت کرده که جبران آن امکان پذیر نخواهد بود از مهمترین جنبه های اهمیت توسعه پایدار، توجه به محور بودن انسان می باشد چرا که در توسعه پایدار انسان مرکز توجه است و انسان ها هماهنگ با طبیعت سزاوار حیاتی اجتماعی توأم با سلامت و سازندگی و فرهنگ هستند. توسعه حقی است که باید به صورت مساوی نسل های کنونی و آینده را زیر پوشش قرار دهد و لازم است که برای حفظ وصیانت از ارزشهای انسانی و نیز تربیت صحیح نسل های آینده در برابر مخاطرات جهانی شدن، برای تعلیم و تربیت پایدار وقت و هزینه کافی صرف شود و در این راه از الگوها و منابع و مولفه های توسعه پایدار به نحو احسن بهره برداری شود.

مولفه های توسعه پایدار

۱- انسان :

توسعه پایدار انسان محور است و هدف نهایی توسعه تعالی انسان است لذا انسان محوری و استعداد پروری اولین، آخرین و مهمترین هدف توسعه به خصوص توسعه پایدار است و این امر مهم نیز بدون رعایت دست کم دو دسته از عوامل عملی نیست

الف: دسته اول عوامل طبیعی که بستر زندگی انسان را تشکیل میدهد

ب: دسته دوم عوامل اجتماعی و فرهنگی است. بدین معنی که طرحهای توسعه نباید به نحوی باشد که موجبات تشدید و تحکیم نابرابری های اجتماعی و فرهنگی (ملی یا بین المللی) را فراهم آورند

۲_کودکان و نوجوانان :

تمیسیون برانت لند توسعه پایدار را به عنوان توسعه که حواجی کنونی را تامین میکند دون آن که توانایی نسل آینده برای برآوردن نیازهای خود را به مخاطره افکند تعریف کرد. پایداری برای کودکان و نوجوانان و جوانان مسئله واقعی است. نظریه پردازان توسعه پایدار به دلیل داعیه های خود در مورد انسان قرن بیست و یکم با نگاهی به آینده و حقوق کودکان و نقش آفرینی جوانان تاکید کرده است.

۳- زنان:

زنان در جهان به ویژه در کشورهای توسعه از نابرابری های بسیار در رنج هستند در حالی که توسعه فرهنگی و اجتماعی بدون مشارکت فعال آنان به سر انجام نخواهد رسید. زنان در اکثریت عرصه ها وضعیت پایین تری نسبت به مردان ندارند. (سطح سواد و تعلیمات پایین تر، دستمزد پایین تر در شرایط مساوی و...) دنیای آینده نمی تواند بر مبنای این نابرابری های اسفناک تداوم پیدا کند. توجه به محرومیت مضاعف زنان و نیازمندیهای اجتماعی کودکان و جوانان مسلماً از نقش مردان کم نخواهد کرد. فعالان عرصه های مختلف توسعه پایدار بر آنند تا با زدودن محرومیت و تبعیض از چهره جهان، دنیای آینده به محیطی برازنده برای زندگی توأم با آزادی، صلح یا آرامش و برابری برای همه انسانها تبدیل شود.

۴- محیط زیست :

در زمان ما همانطور که در سطور قبلی این تحقیق اشاره شد. محیط زیست تبدیل به معیار شده است، معیاری که هر روز بیش از پیش در جهان فراگیر می شود. و توسعه تنها زمانی پایدار است که بر شالوده اصل بوم شناسی اجتماعی و فرهنگی استوار باشد.

۵- فرهنگ:

در سالهای دهه ۱۹۸۰ ضرورت توجه به فرهنگ و علوم فرهنگی در نظریه پردازی پیرامون پایداری آشکارتر و در سالهای دهه ۱۹۹۰ اهمیت آن غیر قابل انکار شد. به این ترتیب در تحلیلها در کنار مولفه های اقتصادی محیط زیست و مسائل اجتماعی، فرهنگ نیز مورد تاکید قرار گرفت. بدیهی است که با پذیرش فرهنگ به عنوان یک رکن اصل توسعه و پایداری راه برای ورود دیگر مولفه های معنوی و غیر مادی گشوده می شود.

۶- آموزش:

در دوران ما آموزش و پرورش به عنوانه موثرترین ابزار جوامع برای ورود به چالشهای آینده مورد توافق قرار گرفته و اصولا پذیرفته شده است که در پرتو آموزش و پرورش دنیای فردا شکل خواهد گرفت. آموزش و پرورش پایدار به مفهوم وسیع خود در دهه های آینده این توانمندی را خواهد داشت. تا به مشابه ابزاری قابل اعتماد پل مستحکمی بین کلاس درس و اجتماع و فرهنگ و بین کلاس درس و بازار بنا کند. در چشم انداز پایداری، مهم ترین سرمایه های کشورها سرمایه ها انسانی است. بدیهی است که بالندگی سرمایه های عظیم در گرو آموزش خواهد بود. آموزش و پرورش پلی است که از گذشته به حال و از حال به آینده می رسد. لذا برای رسیدن به آینده های پایدار درکی عمیق تر از اهمیت این موضوع و نگاهی دوباره بر نظام آموزشی کشورها در نخستین گام ضرورت خواهد داشت.

علم و مشارکت در توسعه پایدار

امروزه دانستن به صورت برابری در جهان توزیع شده است و منبع اصلی قدرت و کنترل محسوب میشود. آگاهی یافتن از دانش و فرهنگ بومی در عرصه های مختلف از جمله محیط زیست و منابع و مولفه های علوم اجتماعی و فرهنگی، برای موفقیت ابتکارات مربوط به توسعه پایدار ضروری است و به ویژه باید دانست که هر تلاش برای رسیدن به پایداری بدون مشارکت فعال مردم محلی به احتمال قوی به سرانجام نخواهد رسید. برخورد گزینشی با دانش و اطلاعات و اعمال کنترل بر آن عملا زمینه های آگاهی و مشارکت را مسدود می کند و از طرفی بدون مشارکت آگاهانه مردم، توسعه پایدار اجتماعی و فرهنگی میسر نخواهد شد. حضور آگاهانه مردم در صحنه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به ویژه در سال های اخیر، به عنوان یکی از شاخصه های اصلی توسعه پایدار مورد تاکید قرار گرفته است. در جوامع دموکراتیک، سیاست عمومی علی القاعده پاسخی به درخواست مردم است و در این شرایط است که هوش یاری عمومی و درک ضرورت ها و لوازم پایداری روند قانون مند و با ثباتی به خود میگیرد.

جمع بندی و نتیجه گیری

در سالهای اخیر پایداری نه تنها در میان اندیشمندان و متفکران علوم تربیتی، اجتماعی و فرهنگی بلکه میان عموم تبدیل به واژه ای متداول شده است و این ایده که پایداری بر مبنای اجماع و اصلاحات علمی پایه گذاری شده مورد انتقاد قرار گرفته است. پایداری سه مشخصه اصلی دارد:

الف) زمینه پایدار منابع که از بهره بری جمعیتها و اکوسیستم ها حاصل میشود.

ب) فراوانی پایدار و تنوع زیستی گونه های فردی در زمینه اکوسیستم ها نسبت به بهره برداری انسانی و مداخلات انسان

ج) توسعه اقتصادی پایدار بدون تخریب منابع موجود برای نسل های آینده.

پایداری وضعیتی است که در آن مطلوبیت و امکانات موجود در طول زمان کاهش نمیابد و به توانائی اکوسیستم ها از جمله اکوسیستم انسانی برای تداوم کارکرد در آینده نا محدود مربوط میشود بدون آنکه به تحلیل منابع و یا بار پیش از حد منابع

منجر شود. پایداری، شرایطی است که در آن سیستم های اجتماعی و طبیعی با هم و به شکل نا محسوس کار میکنند. با توجه به مطالب مطروح که قطره ای از دریای اندیشه ها و تئوریهای اندیشمندان توسعه به خصوص نظریه پردازان توسعه پایدار میباشد و با در نظر گرفتن مولفه های توسعه پایدار که در بالا ذکر گردید، میتوان اذعان نمود که بحث توسعه پایدار که به دلیل جامعیت و اقبال گسترده در عصر حاضر به بالنده ترین مناظر جهانی تبدیل شد و بر مبنای بسیاری از تحلیل ها و نظریه ها چالش محوری قرن بیست و یکم خواهد بود و در این چالش نوین، انسان و توسعه علوم رفتاری مرکز توجه قرار گرفته است و هر آنچه حیات، بقا و آزادی و تعلیم و تربیت و فرهنگ انسان را تهدید می کند مردود شناخته می شود.

ورود به عصر جدید، بدون نگاهی انسانی تر، متوازن تر و بخصوص بدون اتکا به اصول پایداری نه فقط در کلام که در عمل نیز میسر نخواهد بود. تحقق این آرمانها علاوه بر اراده های قاطع و آگاهانه عاملانی را می طلبد تا از رهگذر تلاشهای آنها این اهداف جامعه را عمل ببوشاند. تجربه جوامع توسعه یافته نشانگر این است که توسعه با برداشت سنتی یعنی تکیه بر رشد و یا تنها بر جنبه اقتصادی با تاکید روی رشد صنعتی بی بند و بار، تولید انبوه و مصرف انبوه نمیتواند پایدار باشد چون رشد و توسعه هم محدودیتهایی دارد و در صورت عدم توجه به علوم اجتماعی و فرهنگی و شیوه های تعلیم و تربیت نسل های فراروی بشر، این برنامه های رشد و توسعه میتواند چالش های اساسی روی سر نوشت آینده ی بشری ایجاد نماید.

بنابراین تعالی انسان به هر شکل ممکن هدف غایی برنامه های توسعه می باشد. به نظر میرسد که ایجاد یک فرهنگ جهانی و افزایش قوه فاعله بشری به خصوص نسل های جدید که در آسانه ی تحول فکری و گذر به دنیای فرا صنعتی و فرا مدرن هستن و توسعه تربیتی و فرهنگی و فکری به عنوان ایجاد بسترهای مناسب اجتماعی که افکار عمومی و باورهای فکری بشر امروزی را به همه جانبه بودن ابعاد توسعه سوق میدهد، و این ایده را در اذهان بشر امروز ایجاد نماید که توسعه و در راس آن توسعه پایدار به ویژه در علوم اجتماعی و فرهنگی امری اجتناب نا پذیر، اجباری و ضروریست که شهر و ندان دهکده جهانی باید خود را در مهیای پذیرش آن نمایند و سازمانهای بین المللی، دولت ها، تشکیلات غیر دولتی و همه و همه در راستای جهان آری از مخاطرات ناشی از جهانی شدن و ابعاد ناگوار برنامه های تک بعدی توسعه گام بردارند. توسعه پایدار در علوم اجتماعی و فرهنگی توسعه ای است که نیاز های فعلی خود را بدون خدشه دار کردن توانایی نسل آینده برآورده ساخته و نیازهای خود را پاسخ گوید. در این تعریف حق هر نسل در برخورداری از همان مقدار تعلیم و تربیت و سرمایه اجتماعی و فرهنگی و طبیعی که در اختیار دیگر نسلها قرار داشته به رسمیت شناخته شده و استفاده از آنها مجاز شمرده شده است.

منابع

۱. ازکیا، مصطفی (۱۳۷۷)، جامعه شناسی توسعه، تهران موسسه نشر کلمه. ص ۲۵
۲. رحمانی، فریده (۱۳۷۲)، توسعه پایدار از تئوری تا عمل، اطلاعات سیاسی اقتصادی شماره ۶۹، ص ۸۴
۳. ضرابی، اصغر و اذانی، مهری، (۱۳۸۰)، توسعه پایدار در جهان صنعتی و در جهان صنعتی و در حال توسعه، مجله رشد آموزش جغرافیا، شماره ۵۹.

4. Kirk P. (2001). Development of criteria to assess the effectiveness of national strategies for sustainable development institute for development policy.
5. Gatto M. (1995). Sustainability: is it a well-defined concept, ecological society of America, vol, 5 no 1183-1181, 4.
6. Rao P.K. (2000). Sustainable development: economics and policy, oxford, UK, black.

The Role of Sustainable Development in Culture and Society

Leila Hafezi Poor

Researcher, Hormozgan, Bandar Abbas

Abstract

Development is one of the key issues in the field of social sciences in recent decades and has gained considerable importance and prevalence. The concept of development has attracted the attention thinkers from different fields of social and cultural rights due to the extensive and far-reaching importance of this issue and with the passage of time and the development and specialization of different areas of science, is an interdisciplinary science.

The development with economic growth imposed many environmental risks on nature and recently on education and culture of human society in the last two centuries and created serious doubts in costs and blessing development. These challenges resemble unsustainable development plans and reflected the necessity of deepen the concept of sustainable development in the context of studies of various social, cultural and industrial programs. This research aimed to define the concept of development and sustainable development and then provide the different theories in the context of sustainable development especially in the social and cultural sciences in the form of qualitative research.

Keywords: Development, Sustainable Development, Social and Culture Sciences.
